

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۲ جون ۲۰۲۱

هنرمندانی که برای نمایش «انتصابات» بازار گرمی می‌کنند «ابزار» دست حکومت‌اند!

با نزدیک شدن نمایش انتخابات، نامزدهای ریاست جمهوری از هر امکان و ابزار و ظرفیتی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای دروغ و ریا و فساد بهره می‌جویند و در این مسیر همانند گذشته از قابلیت هنر هم غافل نیستند.



چندش‌آور و دردناک‌تر آن‌جاست که برخی سینماگران آیت‌الله جلال «ابراهیم رئیسی» نامه‌ای نوشته‌اند و در آن، از این آدم‌کش حرفه‌ای تعریف و تمجیدهای دروغ به عمل آورده‌اند.

نامه سینماگران به رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، با این جمله آغاز شده است: «از میزان حساسیت حضرت‌عالی به تحقق عدالت، قانون‌گرایی، اصلاح امور، مقابله با اجحاف و دفاع از حقوق شهروندان آگاهیم، همچنین از میزان حساسیت و توجه حضرت‌عالی به حوزه فرهنگ و هنر...»

تمجید از ابراهیم رئیسی، تمجید آشکار از جلال است. جلالی که ۴۲ سال خون می‌ریزند و هنوز هم خسته نشده است! رییس قوه قضاییه و هم‌زمان نامزد انتخابات ریاست جمهوری نه تنها به عنوان یکی از اعضای «هیأت مرگ» در سال ۱۳۶۷ است بلکه به شمار اعدام‌ها در دوران ریاست او، فشار بر رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران و ماندن هزاران تن از معترضان سال‌های اخیر است.

۴۶ تن از کارگردانان، نویسندگان، بازیگران، تهیه‌کنندگان و دیگر دست‌اندرکاران سینما و تلویزیون ایران در نامه‌ای به رییس قوه قضاییه خواستار آزادی موقت سیدمحمد امامی شده‌اند.

نام امامی بیش از سه سال پیش در رابطه با سرمایه‌گذاری برای سریال شهرزاد و پرونده فساد بانک سرمایه مطرح شد و پرونده او هنوز بسته نشده است.

بنا به گزارشات مختلف و متعدد تهیه‌کننده سریال شهرزاد متهم است که در فساد بانک سرمایه نقشی کلیدی داشته و اموال بانک را به غارت برده است.

امضاءکنندگان نامه درخواست آزادی امامی:

مجید رجبی معمار؛ نرگس آبیار؛ کیانوش عیاری؛ محمدحسین مهدویان؛ علی سرتیپی؛ جواد نوروزبیگی؛ سیدروح الله حجازی؛ پیمان قاسم خانی؛ محمدحسین قاسمی؛ خسرو نقیبی؛ مهران احمدی؛ احمد مهرانفر؛ سعید قطبی‌زاده؛ مجیدرضا مصطفوی؛ مهدی کرمپور؛ عبدالله اسکندری؛ مسعود آبپور؛ حسن نجاریان؛ داریانی؛ محسن چگینی؛ محمدرضا گوهری؛ حجت‌الاسلام عباس محسنی؛ مهدی سجاده‌چی؛ مجید صالحی؛ تینا پاکروان؛ داریوش دالوند؛ فرزاد دالوند؛ وحید نیک‌خواه آزاد؛ عبدالجواد موسوی؛ حسن آقاقریمی؛ ستار اورکی؛ محمدعلی قاضی نظام؛ دکتر حمیدرضا افشار؛ هوشنگ هیاهوند؛ حسین ایری؛ عبدالرضا منجزی؛ حسن مصطفوی؛ شبنم عرفی‌نژاد؛ امیر توسلی؛ نسیم ادبی؛ عباس رزچی؛ بابک کایدان؛ رضا حیدرنژاد؛ فرزانه شعبانی؛ مسعود زمانی؛ سام نوری؛ علی اسدزاده.

۴۶ دست‌اندرکار سینما و تلویزیون در نامه خود به ابراهیم رئیسی ضمن تاکید بر این‌که رسیدگی به اتهام‌های امامی وظیفه قوه قضاییه است گفته‌اند، او نیز مانند دیگر زندانیان این حق را دارد که برای مصون ماندن از خطر ابتلا به ویروس کرونا به طور موقت آزاد شود.

البته تمجید این بخش از دست‌اندرکاران سینما از ابراهیم رئیسی و تقاضای آن‌ها برای آزادی محمد امامی موجی از انتقادات را برانگیخته است. برای نمونه منیژه حکمت این نامه را «کاسه‌لیسی» و «دریوزگی» در لوای «انسان‌دوستی» و «عدالت‌خواهی» خوانده است.

یکی از تاکتیک‌های انتخاباتی شیخ حسن روحانی جذب هنرمندان بود. اما با پیروزی حسن روحانی هنرمندان کم‌کم دریافتند بین شعارهای دولت حسن روحانی و وعده‌های او به هنرمندان از زمین تا به آسمان فاصله است. اگر کارنامه هشت ساله شیخ حسن روحانی را مرور کنیم به سادگی درمی‌یابیم که او به هیچ‌کدام از وعده‌هایی که در دوره تبلیغات انتخاباتی مطرح کرده عمل نکرده است. او هشت سال یک مشت دروغ از یکسو و هزاران کشته و هزاران زندانی از سوی دیگر تحویل مردم داده است. حتی برخی‌ها دولت او را بدترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی می‌دانند و ...

در انتخابات سال ۱۳۹۲ و همچنین ۱۳۹۶ حسن روحانی کلید به دست توانست با شعارها و وعده‌هایی هنرمندان اثرگذار را به سمت خود جذب نماید. این حمایت‌ها علنی بود. دولت «اصلاح‌طلب» روحانی با طرفداران خودش بسیار متناقض بود. قاعدتا باید کسانی که او را در انتخابات همراهی کرده بودند از همه بیش‌تر سرخورده شدند.

اما به محض این که او وارد کاخ ریاست جمهوری شد رویکرد و نگاه امنیتی به هنر توسط دولت روحانی تشدید شد، فیلم‌هایی توقیف و حتی از پخش برخی سریال‌های تلویزیونی ممانعت به عمل آمد.

با ورود آیت‌الله «جلاد» یعنی «ابراهیم رئیسی» به کارزار انتخابات بوق‌های تبلیغاتی رقبای او بار دیگر فعال شده‌اند. رئیسی در کماق رییس قوه قضاییه نه تنها هنرمندان را تحت فشارهای عدیده‌ای قرار داده است بلکه همین الان نیز ترس بزرگی به دل بسیاری از هنرمندان کشور انداخته است.

رئیسی حتی در مدتی که رییس آستان قدس رضوی بود توجه ویژه‌ای به هنرمندان داشت تا از موقعیت آن‌ها بهرترین سوءاستفاده را ببرد.

اقدامات او در قوه قضاییه به عنوان قاضی القضاات با هنرمندان بسیار هولناک بوده است. ایشان با رویکردی باز با مقوله هنر و هنرمند برخورد داشت و رویه قضایی در دوره او چنان بود که هنرمندی را به سبب نگاه متفاوتش تحت

فشار قرار نمی‌داد. در واقع ایشان با تعریف جرم سیاسی و مصادیق آن سبب تشویق هنرمندانی شد که از ورود به برخی مسائل تردید داشتند و در این موارد اختلافی با ضابطان قضایی طرف هنرمندان را گرفت. این کار بزرگترین حرکت حمایتی از هنرمندان به حساب می‌آمد تا هنرمندان با خیالی آسوده به تولید آثار بپردازند.

در چندین مورد حتی دستگاه قضایی حکم به رفع توقیف برخی فیلم‌هایی داد که توسط دولت روحانی توقیف شده بودند. بنابر این اهالی هنر به شایعات بی اساس درباره برخورد قهری ابراهیم رئیسی و جبهه انقلاب با هنرمندان که توسط بدخواهانی که برنامه ای برای اداره کشور ندارند توجهی نکنند و مطمئن باشند آیت الله رئیسی به شدت از هنر و اهالی فرهیخته آن در همه زمینه ها حمایت خواهد کرد.

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ شاهد سوگیری‌های بسیار ضعیف و نخنما اصناف و تشکل‌ها و گروه‌های مختلف و هنرمندان به سمت کاندیداهای مختلف هستیم. در این میان سئوالی که مطرح می‌شود این است با تجربه تلخی که اهالی هنر از اصلاح‌طلبان و حسن روحانی داشتند آن‌ها این بار از چه کسی طرفداری خواهند کرد؟ در حالی که تنها چند هفته به انتخابات ریاست جمهوری ایران باقی مانده است، برخی هنرمندان می‌گویند که بر خلاف دوره‌های گذشته، این بار اهالی فرهنگ و هنر حضور چشمگیری در این عرصه نخواهند داشت و در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

در دهه‌های اخیر، حضور سینماگران، خواننده‌ها، چهره‌های مشهور، و سلبریتی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری ایران به موضوع مهمی تبدیل شده است و نامزدها برای جلب بیش‌تر آرای مردم، به طرق گوناگونی از حمایت‌های آن‌ها، البته به عنوان ابزار زودگذر، بهره گرفته‌اند.

حضور در ستادها و برنامه‌های انتخاباتی، تولید موسیقی، ویدئو، یا کلیپ، گرفتن عکس یادگاری، حمایت در فضای واقعی و مجازی، یا انتشار بیانیه‌های گروهی از جمله روش‌های مورد استفاده هنرمندان در این چهارچوب است.

در یازدهمین و دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، برخی از هنرمندان به دلایل متفاوتی از حسن روحانی، و وعده‌های انتخاباتی او به ویژه در عرصه‌های فرهنگی و هنری حمایت کردند

اما به گفته برخی از هنرمندان، تجربه تلخ دولت حسن روحانی، و شرایط فاجعه‌بار کنونی، همه را دل‌سرد کرده است، و بسیاری از چهره‌های سرشناسی که مردم را به حمایت از او تشویق کردند، حالا شرمند هستند.

یکی از کارگردان‌های معروف سینمای ایران که نخواست نامش منتشر شود، در گفت‌وگو با صدای آمریکا می‌گوید که فارغ از هنرمندان حکومتی که بخشی از نظام محسوب می‌شوند، اکثر سینماگران ایرانی با این رژیم همراه نیستند و از تغییر شرایط کنونی حمایت می‌کنند.

به گفته این کارگردان، متأسفانه تعدادی از سینماگران به دلیل نیاز مالی، مشکلات شخصی، یا پرونده‌های قضایی‌شان (که در برخی از موارد قربانی دسیسه‌های دستگاه‌های امنیتی شده‌اند)، مجبور به حمایت از نامزدها یا شرکت در مراسم دولتی یا برنامه‌های حکومتی می‌شوند.

این کارگردان که می‌گوید خودش در گذشته به حسن روحانی رای داده است، تأکید می‌کند که حمایت اکثر هنرمندان از نامزدهای به اصطلاح اصلاح‌طلب با هدف بهبود شرایط زندگی مردم صورت گرفته است، و قصد آن‌ها تغییر مسالمت‌آمیز اوضاع کشور بوده است، که متأسفانه سرانجامی نداشت.

این کارگردان ایرانی با اشاره به این که هیچ یک از نامزدهای کنونی، برنامه خاصی برای فرهنگ و هنر ندارد، و امیدی به تغییر این شرایط نیست، می‌گوید که این بار سینماگران نیز مانند بسیاری از مردم، در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نمی‌کنند، چون تأثیری در وضعیت آن‌ها ندارد.

برخی هنرمندان می‌گویند که یکی از نتایج هشت سال زمامداری حسن روحانی، دل‌سردی اهالی فرهنگ و هنر از بهبود اوضاع بود، و به همین دلیل عده زیادی از جوانان مجبور به ترک ایران شدند و به کشورهای دیگر رفتند.

در سال‌های اخیر تعداد قابل توجهی از جوانان ایرانی در شاخه‌های مختلف هنری به کشورهای آسیایی، اروپایی، کانادا، یا آمریکا رفتند. برخی مهاجرت کردند، و عده‌ای نیز پناهنده شدند.

در همین حال یکی از آهنگسازان برجسته ایرانی که تاکنون در هیچ انتخاباتی در این کشور شرکت نکرده است، در گفت‌وگو با صدای آمریکا به همین نکته اشاره می‌کند، و شرکت در انتخابات را حرکتی عبث و بیهوده می‌داند.

این آهنگساز، که او نیز به دلایل امنیتی نمی‌خواهد نامش فاش شود، می‌گوید که از رژیم عبور کرده است. او تاکید می‌کند که هیچ درخواستی از این حکومت ندارد و مایل نیست در انتخاباتی که هیچ تأثیری در زندگی او و دیگران ندارد، شرکت کند.

او با اشاره به برخی از نامزدهای کنونی، می‌پرسد که کدام یک از آن‌ها با آوازخوانی و رقص زنان، یا هنرنمایی آن‌ها بدون حجاب اجباری در سینما و تلویزیون موافق هستند؟ کدام یک از آن‌ها مخالف سرکوب و سانسور هستند، یا از آزادی بیان و اندیشه حمایت می‌کنند؟ و پاسخ می‌دهد که «هیچ کدام».

این آهنگساز با انتقاد از هنرمندانی که به دلایل مختلفی، از جمله به گفته او «اقتصاد هنری» در انتخابات شرکت می‌کنند، می‌گوید که نباید به تغییرات جزئی قانع بود و به برخی اصلاحات اندک دلخوش کرد؛ چرا که به گفته او «این حکومت در حق هنر و هنرمندان ایرانی جنایت کرده است».

برخی سلب‌ریتی‌ها به عنوان حلقه‌ای واصل میان کاندیداها و مردم، همواره رکنی اساسی برای جذب بیشتر آرا به حساب می‌آیند و هنرمندان موسیقی و خصوصاً خواننده‌ها به اصطلاح یک پای ثابت این حرکت «ضدانسانی» و «ضدآزادی» و «ضدهنر» هستند.

بنا به گزارش‌ها، در دوره‌های پیشین انتخابات ریاست جمهوری، شاهد حضور برخی خواننده‌ها بوده‌ایم و حتی افرادی پایشان به تبلیغات انتخاباتی باز شده است که این روزها و پس از گذشت چند سال از آن دوره، نسبت آن خواننده با کاندیدای انتخاباتی، بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد.

حمایت سلب‌ریتی‌ها از کاندیدای مورد نظرشان و اعلام صریح رای به یک نامزد یا بر عهده گرفتن اجرای آهنگ‌ها و ترانه و کلیپ‌های تبلیغاتی آن‌ها، انجام می‌گیرد.

در همین راستا تاکنون نام‌هایی، به عنوان افرادی که به آن‌ها پیشنهاد شده است تا وارد کارزار انتخاباتی شوند در خبرها برده شده است؛ خبرهایی که در عین حال می‌توانند به نوعی بازارگرایی، برای نامزدهای ریاست جمهوری تلقی شوند و تا به امروز هم فقط توسط خود این خواننده‌ها در فضای مجازی اطلاع‌رسانی شده است.

در مقطع انتخابات چهار سال پیش، تعدادی از هنرمندان که در دوران انتخابات ریاست جمهوری با شعار «با روحانی تا ۱۴۰۰» در فضای مجازی خودنمایی می‌کردند، این روزها به دلیل افزایش چند برابری عوارض سفر به خارج از کشور به منتقدان سرسخت روحانی تبدیل شده‌اند.

مهدی پاکدل، بازیگر سینما و تلویزیون در فضای مجازی نوشت: «دوستان عزیز، این مردم خیلی بیشتر از اینا شریف‌اند... و با سیلی صورت خودشونو سرخ نگه میدارن!»

رضا صادقی، خواننده هم در صفحه خود آورده است: «سلام آقای رئیس‌جمهور... رای دادیم، حمایت کردیم، توهین شنیدیم، تهمت شنوفتیم... حرف من عوارضی و قیمتش، نون و قیمتش، زلزله‌زده و محرومیتش، گرونی و مصیبتش،

حتی نون و نداشتنش نیست، درد اینجاست که انگار از حال و روزمون خبر ندارید...چشم یاری داشتیم... حیف؛
خداحافظ آقای رئیس‌جمهور.»

علیرام نورایی، بازیگر سینما و تلویزیون که البته در انتخابات اخیر از روحانی حمایت نکرده بود هم در واکنش به هزینه جدید عوارض خروج از کشور در فضای مجازی نوشت: «خدا رو شکر که زمان انتخابات برای کسی تبلیغ نکردم... جالبه الان به خاطر این یک موضوع همه به رنگ بنفش دارن حساسیت پیدا می‌کنن! عوارض وجود نگیرن ازمون تا ۱۴۰۰ صلوات.»

دو بازیگر دیگر سینما که در انتخابات از روحانی حمایت کرده بودند نیز مطالبی را در انتقاد از تصمیم جدید دولت منتشر کردند. پیش از این نیز هنرمندانی چون مهدی فخیم‌زاده و حمیدرضا آذرنگ در مطالبی نوشته بودند که حمایت خود به روحانی را پس می‌گیرند.

به گزارش سلام سینما دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد. هنرمندان در صفحات شخصی خود حمایت خود را از کاندیدای موردنظرشان اعلام کردند.

اصغر فرهادی نوشت: به دکتر روحانی رای می‌دهم و امیدوارم کسانی که هنوز برای رای دادن در تردیدند با همه شرایط و دلایل قابل درکی که در نظر دارند به خاطر سرنوشت فرزندان این سرزمین و نسل آینده با رای دادنشان از این حداقل حق انتخاب خود، استفاده کنند.

ترانه علی‌دوستی:

به روحانی رأی می‌دهم چون خفقانِ هشت سالِ پیش از او را به یاد دارم، و نمی‌خواهم به آن روزها برگردم.
چون گران شدن ساعت به ساعتِ ارز و دارو را در هشت سالِ پیش از او به یاد دارم. به یاد دارم گاهی با کمترین خطا در اظهارنظرهای مسئولین، چطور وبسایت های خریدوفروش ارز بر اثر هجوم مردم وحشت‌زده از کار می‌افتاد...

رخشان بنی‌اعتماد:

به حسن روحانی رای می‌دهم، نه با دلخوری و نارضایتی از عملکرد چهارسال دور اول و نه با خوش باوری باغ و گلستان شدن مملکت در چهار سال دور دوم...

باران کوثری:

رأی من ، رأی این‌هاست: دکتر روحانی

شهاب حسینی:

...

لذا با امید به خدا، در روز انتخابات، در حالی که بلور نازک اعتماد خویش را در جهت باور بر آینده سرزمینم به کاندیدای مورد نظرم جناب آقای دکتر حسن روحانی اهدا می‌کنم، برای حمایت از ایشان پای صندوق رای حاضر خواهم شد، و رای خود را به امانت به صندوق خواهم سپرد.

حامد بهداد:

من حامد بهداد

فرزند خراسان

به روحانی رای می‌دهم

#تا_۱۴۰۰_با_روحانی

پریناز ایزدیار:

رای من

#تا_۱۴۰۰_با_روحانی

#نیمه_راهیم_بر نمی‌گردیم

سحر دولتشاهی:

ما به عقب باز نمی‌گردیم #روحانی #رای_می‌دهم

پیمان معادی:

#تا_۱۴۰۰_با_روحانی

#رای_می‌دهم

نگار جواهریان:

... رای من هم مثل بیش‌تر شما دکتر حسن روحانی است؛ مردی که در این در چهار سال ناامیدمان نکرد

#تا_۱۴۰۰_با_روحانی

#به_عقب_بر نمی‌گردیم

هانیه اتوسلی:

... همه با هم روحانی را تکرار می‌کنیم

بهناز جعفری:

#رای_میدهم

#روحانی_۱۴۰۰

گوهر خیراندیش:

از شما عزیزان خواهش می‌کنم بیاپید باهم به پای صندوق‌های رای برویم و با درایت و هوشمندی، رییس جمهور خود را انتخاب کنیم. چرا که انتخاب کردن حق ماست، هرچند محدود در انتخاب باشیم. رای من «دکتر حسن روحانی» است.

لیلا زارع:

گر چه دوریم به یاد تو قدح می‌گیریم
بعد منزل نبود در سفر روحانی

هومن بهمنش:

به ظرافت در سیاست رأی می‌دهم
#حسن_روحانی #جواد_ظریف

نقش هنرمندان و فعالان فرهنگی برای حفظ یک حکومت آن‌هم حکومت مستبد و جانی اگر بیش‌تر از نقش سرداران و ارتشیان و نظامیان نباشد، کمتر نیست. به همین دلیل است که برخی حکومت‌های دیکتاتور و خودکامه، حتی در شرایطی که جامعه‌شان با مشکلات عدیده و وحشتناک اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند و مردم تحت حکومت‌شان در حال مرگ از بی‌نایی هستند، با تصویب بودجه‌های کلان و پرداخت هزینه‌های هنگفت، از «هنرمندان» حمایت کرده و در راستای ماندگاری و بقای حکومت‌شان، آن‌ها را استثمار کنند تا همه چیز را در کشورشان عادی جلوه دهند. بنابراین ارزش و نقش یک «هنرمند» وابسته به حکومت در ماندگاری و بقای یک حکومت غیرقابل انکار است. یکی از مهم‌ترین وظایف هنرمندان حکومتی، ایجاد سوپاپ اطمینان برای حکومت است. با بررسی آثاری همچون: نفوذی، ماجرای نیمروز، سیانور، ارمغان تاریکی، پروانه، نفس و... روشن می‌شود که آنچه این به ظاهر هنرمندان انجام می‌دهند، شست‌وشوی مغزی جامعه است. هر چند غافل از آنند که جوانان کنونی دیگر به این نوع شعرگفتن‌ها توهم ندارد. این هنرمندان، صرفاً از احساسات مردم سوءاستفاده نمی‌کنند، بلکه با لابی‌گری و رانت، با غارت‌گران اموال عمومی همکاری دارند و به نوعی در حال غارت اموال عمومی جامعه اند. مردم در بسیاری از رسانه‌ها و گزارش‌ها خبر وام‌های میلیاردی بلاعوض برخی مجری‌های مشهور و بهنام تلویزیون را از موسسه ثامن‌الحجج را خوانده و یا شنیده‌اند. یا این‌که فلان مجری، بازیگر، تهیه‌کننده و خواننده مشهور اخیراً برای اجرای کنسرتش با موسسه «اوج» قراردادی را منعقد کرده است. یا این‌که هزینه ساخت فلان سریال و فیلم را همین موسسات اقماری سپاه بر عهده می‌گیرند. آیا این‌که یک هنرمند با سپاه قرارداد اسپانسرینگ کنسرتش را امضاء کند و بعد در شرایط اسفناک اقتصادی فعلی، از شرکت‌کنندگان ارقام چندصد هزار تومانی برای حضور در کنسرتش بگیرد، با کجای جامعه و مشکلات مردم همخوانی دارد؟! متأسفانه بسیاری از هنرمندان در جریان سرکوب‌های مردمی سکوت کردند. اما همان‌ها که در پی کشته شدن صدها یا هزاران تن معترض در دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ سکوت کرده بودند، با کشته شدن قاسم سلیمانی رخت عزا بر تن کردند. باید به افرادی که فریب این دسته از هنرمندان را می‌خورند گفت، نمی‌شود هم از یکسو حکومت فاسد و پاسدارانی که دست‌شان به خون صدها هزار انسان آلوده است حمایت کنید، و هم از سوی دیگر در موقعیت‌هایی که مردم عصبی هستند رنگ عوض کنید و حکومت فاسد را محکوم کنید.

در آذر ماه ۱۳ آذر ۱۳۹۹، جمعی از به اصطلاح هنرمندان و سینماگران از جمله پرویز پرستویی، ابراهیم حاتمی‌کیا، کمال تبریزی، مجید مجیدی، آتیلا پسیانی و مهدی فخیمزاده، در کمال وقاحت، در پی ترور محسن فخری‌زاده در بیانیه‌ای اعلام کردند که به این شخصیت برجسته افتخار می‌کند، متن بیانیه از این قرار است:

«خطاب به تویی که نمی‌شناختمت، خبر ترور ناجوانمردانه ات را شنیدیم و افسوس خوردیم که چرا به قدر بدخواهان میهن‌مان تو را نمی‌شناختیم. کمی دیر شده ولی به پاس یک عمر تلاش علمی بی‌منت و بی‌نام و نشان برای اقتدار کشور عزیزمان ایران، به تو افتخار می‌کنیم.»

این همان هنرمندانی هستند که سالیان دراز با استفاده از منابع متعلق به مردم ایران به مقام و منزلت و جایگاه هنری رسیده‌اند و نه تنها در مقابل ظلم و ستم جمهوری اسلامی بر جامعه ایران سکوت اختیار کرده‌اند، بلکه پشت عمارت عمامه حکومت اسلامی چشم‌هایشان را روی تروریسم و قتل و جنایت و اعدام مردم ایران بسته‌اند؛ همان‌هایی که در کشتار دی‌ماه و آبان‌ماه، در شلیک مستقیم موشک همین سپاهی که فخری‌زاده سردار آن بوده به هواپیمای اوکراینی، در اعدام جوانان معترض، در اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای به صورت زنان بی‌حجاب، شلاق‌زدن کارگران معترض و هزار و یک جنایت دیگر جمهوری اسلامی سکوت کرده‌اند و هیچ‌گونه حمایتی از جامعه معترض ایران نمی‌کنند.

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که وضع فرهنگ جامعه ما بسیار وخیم است. تعدادی از هنرمندان و نویسندگان زندانی هستند. آزادی بیان و قلم و اندیشه و تشکل وجود ندارد و فعالین این عرصه مورد تهدید قرار گرفته و دستگیر و زندانی می‌شوند. در چنین وضعیتی، آن هنرمندی که با حکومت بده و بستان دارد دیگر نه ربطی به احساسات هنریش دارد و نه تفکرش. آشکارا دارد از حکومت سانسور و سرکوب و اعدام دفاع می‌کند. و به همین دلیل طبیعی‌ست که چنین هنرمندی از سوی مردم بایکوت شود.

ما الان در شرایط بسیار بحرانی هستیم از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی. جامعه ما در حال انفجار است. بزرگ‌ترین مانعی که برای کسانی که در عرصه فرهنگ و هنر دارند فعالیت می‌کنند وجود دارد، جمهوری اسلامی و همین متولیان فرهنگی و متولیان امور هنری هستند.

هنرمندانی هم هستند که ترجیح داده‌اند نگاه دیگری به جامعه داشته باشند. برای مثال ساکت مانده‌اند، یا انتقاد نمی‌کنند و یا احساس می‌کنند وضعیت مطلوب است. و مشکلی وجود ندارد.

البته هنرمندانی که ساکت شده‌اند یا حرفی نمی‌زنند، می‌توانند دلایل شخصی داشته باشند یا این که احتمال دارد از شرایط موجود دل‌سرد شده باشند.

هنرمند مستقل و مردمی آثار خود را به دور از هر نوع فخر برای برقراری ارتباط با مخاطب عام خلق می‌کند و امیدوار است به این ترتیب به انتقال اندیشه و مفهوم در سطح وسیع توده مردم نایل شود.

مشخص است که هنرمند هنر مردمی برخلاف هنرمند هنر فاخر به دنبال صرف هزینه‌های زیاد برای ساخت اثری با مخاطبان معدود نیست بلکه با هزینه‌ای کم هم اثری تولید می‌کند که کارایی بالایی دارد. توجه به هنر مردمی یابه عبارتی هنر عمومی به دنبال فعالیت‌های هنرمندان و نظریه‌پردازان هنری از نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای پیشرفته جهان قرار گرفته است. هنر مردمی از بطن جامعه برخاسته است و هدف خود را نیز همان جامعه در نظر گرفته و به نیازهای دورن جمعی انسان‌ها پاسخ می‌گوید، هنرمندان این گرایش توان خود را در خدمت انتقال گزار این دانش به کار می‌گیرند و به دنبال ایجاد دگرگونی اجتماعی و تعالی جامعه هستند.

هنرمندانی که دارند از وضعیت موجود دفاع می‌کنند، به نظر من ابزار حاکمیت هستند و هنرمند نیستند. آن‌ها ابزارهای تبلیغاتی حاکمیت هستند. چون جمهوری اسلامی به عرصه هنر به مثابه ابزار فرهنگی نگاه نمی‌کند و به عنوان ابزار

تبلیغاتی نگاه می‌کند. بنابراین هنرمندانی که به عناصر و نهادهای این حکومت نزدیک می‌شوند بدانند که چشم و گوش مردم باز است و اعمال همه را در خاطره تاریخی خود ثبت می‌کنند. و به همین دلیل این قبیل هنرمندان در آینده جامعه ایران جایی نخواهند داشت!

فراموش نکنیم حکومت برآمده از دل سرکوب خونین انقلاب بهمن ۱۳۵۷ کوشید تا طی بیش از چهار دهه گذشته، گام‌به‌گام رقبای خود را از صحنه خارج کند. مقابله با هنرمندان و نویسندگان نیز تا آنجا پیش رفت که، به اقرار خود مقام‌های رسمی جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات‌شان کوشید تا در جریان قتل‌های سیاسی دهه ۷۰ خورشیدی موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای، آن‌دسته از روشنفکرانی را که خارج از چارچوب گفتمان غالب حکومتی قرار می‌گرفتند، نه تنها از لحاظ سیاسی، بلکه به شکل فیزیکی حذف کند.

مخالفان سیاسی خارج از چارچوب حکومت هدف این حذف‌ها بودند و نویسندگان و روشنفکرانی چون محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، پروانه اسکندری و داریوش فروهر، علی اکبر سعیدی سیرجانی، ابراهیم زال‌زاده، احمد میرعلایی، مجید شریف و احمد تفضلی از جمله قربانیان این قتل‌های سیاسی محسوب می‌شوند.

باید امیدوار باشیم که با مبارزه سراسری جنبش‌های اجتماعی و آگاهی هنرمندان و مردم از ماهیت این حکومت «آزادی‌ستیز»، «طبیعات‌ستیز»، «زن‌ستیز»، «هنرمندستیز»، و «انسان‌ستیز»، می‌توانیم در آینده نزدیکی در جامعه‌مان به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی برسیم!